

تغییر نام کوچک

نوشته: دکتر سید حسین صفائی

تفسیری بر رای هیئت عمومی دیوان عالی کشور (شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۴۹/۷/۸) و مطالعه تطبیقی در این زمینه

با دقت و تعمق درمحتویات دو پرونده که یکی به حکم شماره ۷۹۵/۴۱ _ ۴۱/۳/۲۹ شعبه پنجم و دیگری به حکم شماره ۴۷۱/۴۵ _ ۴۵/۹/۲۹ شعبه ششم دادگاه استان مرکز منتهی گردیده، چنین معلوم میشود که در هر دو دادخواست عنوان تقاضا این بوده است که چون برای مولی علیه درخواست کننده در اسناد سجلی او دو نام ذکر گردیده ولی او به یکی از این دو نام مشهور است و داشتن دو نام برای یک شخص مناسب نیست یکی از آن دو حذف شود و برای اثبات اینکه دارنده اسناد سجلی به نام مورد درخواست حذف شهرت ندارد بلکه فقط به نام دیگر مشهور است، به شهادت شهودی که از این امر اطلاع دارند تمسک گردیده و مودای شهادت شهود مزبور نیز مبنی بر همین اظهار بوده و شعبه پنجم دادگاه استان در حکم خود به استناد ماده ۹۹۹ قانون مدنی مندرجات سند ولادت را با شهادت شهود قابل تغییر ندانسته و بر بطلان دعوی رای داده ولی شعبه ششم با استناد به گواهی گواهان و اشعار به اینکه مندرجات اسناد سجلی فقط در مورد تاریخ ولادت رسمی است، به دلالت گواهی گواهان این درخواست را موجه دانسته و بر حذف یکی از دو نام رای داده است. گرچه استدلال شعبه ششم دادگاه استان در این مورد وجهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹۹۹ قانون مدنی در ماده ۴۷ قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده استاز اسناد رسمی شناخته شده ولی نظر به اینکه به حکایت جریان کار معلوم میشود تقاضا کنندگان مندرجات اسناد سجلی را هنگام تنظیم آن صحیح دانسته و دعوی آنان مبنی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست، بلکه مورد درخواست آنان حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد است که آنرا زائد و منافی با شهرت دارنده اسناد مزبور میدانند و این ادعا مخالف با مندرجات رسمی نیست تا بتوان مورد را مشمول دو ماده ۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنی دانست، در خواست مزبور موضوعاً از حدود منع آن دو ماده خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر میباشد. این رای بموجب ماده ۳ اضافی به قانون آئین دادرسی کیفری لازم الاتباع است.

در مورد تغییر نام کوچک مندرج در شناسنامه آراء مختلفی از شعب دادگاههای استان صادر شده که از جمله حکم شماره ۷۹۵/۴۱ مورخ ۴۱/۳/۲۹ صادر از شعبه پنجم دادگاه استان مرکز و حکم شماره ۴۷۱/۴۵ مورخ ۴۵/۹/۲۹ صادر از شعبه ششم این دادگاه است.

حکم شعبه پنجم مربوط است به موردی که در شناسنامه ای دو نام کوچک علی و شهنام نوشته شده و ولی دارنده شناسنامه بدلیل اینکه داشتن دو نام معقول بنظر نمیرسد و نیز دارنده شناسنامه از بدو تولد فقط به اسم شهنام موسوم بوده و به همین نام مشهور گردیده و به استناد یک برگ استشهادیه مبنی بر صحت عرایض خود، حذف نام علی را از شناسنامه فرزند خود تقاضا کرده است. دادگاه بدوی حکم به اصلاح شناسنامه کرده و بر اثر پژوهشخواهی اداره ثبت احوال پرونده در شعبه پنجم دادگاه استان مرکز مر شده و این دادگاه پس از رسیدگی چنین رای داده است: خلاصه اعتراض اداره پژوهشخواه بر دادنامه پژوهشخواسته این است که اسناد سجلی موالید شماره ۱۱۲۷ _ ۱۳۲۵ صادر از بخش تهران بنا به اظهار خواهان بدوی (پدر) و به استناد گواهی قابله توسط مامور ثبت احوال و در حدود صلاحیت آنان تنظیم شده و ابدأ اختلاف و اشتباهی در اسناد مورد بحث رخ نداده تا مشمول ماده ۴۴ قانون ثبت احوال گردد و شهادت شهود موثر در امر نیست که مجموعاً موجه و موثر بنظر میرسد، زیرا سند ولادت شماره ۱۱۲۷ در مدت مقرر در ماده ۲ قانون آمار و ثبت احوال تنظیم یافته و بموجب ماده ۹۹۹ قانون مدنی در عداد اسناد رسمی محسوب میشود و مطالب یاد شده در این قبیل اسناد با شهادت شهود قابل تغییر و تبدیل نمیشد و چون دادگاه بدوی بدون توجه به مراتب فوق رای صادر نموده، دادنامه از این حیث مخدوش بنظر میرسد و دادگاه به تجویز ماده ۱۵

قانون آئین دادرسی مدنی آنرا فسخ و رای بر بطلان دعوی خواهان بدوی و نتیجتاً صحت اسناد سجلی شماره ۱۱۲۷ صادر و اعلام میدارد.

اما حکم شماره ۴/۷۱/۴ مورخ ۲۹/۹/۴۵ صادر از شعبه ششم دادگاه استان مرکز مربوط است به موردی که دو نام کوچک خدیجه و مینا در شناسنامه ای قید شده و ولی دارنده شناسنامه به استناد شهادت شهود ادعا کرده که صاحب شناسنامه منحصرأ به نام مینا خوانده میشود و از اینرو حذف نام خدیجه را از دادگاه شهرستان تقاضا کرده است. دادگاه بدوی به نفع خواهان حکم کرده و بر اثر پژوهشخواهی اداره ثبت احوال، موضوع در شعبه ششم دادگاه استان مطرح شده و این دادگاه رای دادگاه بدوی را به شرح زیر تایید کرده است: آنچه از مراجعه به ماده ۹۹۹ قانون مدنی استفاده و استنباط میشود اینست که قانونگذار سند سجلی را صرفاً در مورد تاریخ تولد رسمی تلفی و تغییر مندرجات آنرا فقط با شهادت شهود امکان پذیر ندانسته و الا در مورد حذف نام زائد از شناسنامه در صورتی که ادعای مدعی به ادله کافی مقرون باشد منع قانونی مشاهده نمیشود و بنا به مراتب مسلم فوق و نظر باینکه از اظهارات اتفاقی گواهان قید اضافی خدیجه در شناسنامه متعلقه به مینا استفاده میشود، دادگاه دادنامه بدوی را که صحیحاً صادر دشه و مفاداً از الزام حذف خدیجه از شناسنامه مینا حکایت دارد تایید و استوار مینماید.

چنانکه ملاحظه میشود، شعبه پنجم دادگاه استان مرکز شهادت شهود را در مورد تغییر یکی از دو نام کوچک مندرج در شناسنامه موثر ندانسته ولی شعبه ششم همین دادگاه شهادت شهود را در مورد مذکور پذیرفته و به استناد آن حکم مبنی بر حذف یکی از دو نام کوچک را استوار کرده است. دادستان کل برای ایجاد وحدت رویه به استناد ماده ۲ از مواد اضافی به قانون آئین دادرسی کیفری طرح قضیه را در هیئت عمومی دیوان عالی کشور تقاضا کرده و در نتیجه، هیئت عمومی رای مذکور را که در موارد مشابه لازم التباع است صادر نموده است. برای روشن شدن رای هیئت عمومی باید چند مساله به شرح زیر را بررسی کرد:

الف _ آیا تغییر نام کوچک مجاز است؟

آیا تغییر نام کوچک مجاز است؟

ب _ مرجع صلاحیتدار در مورد تغییر نام کوچک اداره ثبت احوال است یا دادگاه شهرستان؟

ج _ آیا تمام مندرجات کلیه دفاتر و اسناد سجلی سند رسمی محسوب میشود؟

د _ آیا شهادت شهود در مورد تغییر نام کوچک قابل ترتیب اثر است؟

الف _ آیا تغییر نام کوچک مجاز است؟

نام اعم از نام کوچک و نام خانوادگی از احوال شخصیه بشمار می آید و به تعبیر دیگر، جزء وضعیت مدنی اشخاص است و اصولاً باید دوام داشته باشد. تغییر نام مشکلاتی در روابط حقوقی اشخاص پدید می آورد و چه بسا به حقوق دیگران لطمه میزند، از اینرو تغییر نام در حقوق جدید محدود شده و يك امر استثنائی بشمار میآید.

در حقوق ایران تغییر نام خانوادگی در موارد استثنائی با شرایط و تشریفات خاصی پذیرفته شده است. بویژه قانونگذار برای اینکه تغییر نام خانوادگی يك امر مهم و کاملاً استثنائی تلقی شود آنرا موكول به صدور فرمان همایونی کرده است (ماده ۴۲ قانون اصلاح قانون ثبت احوال و مواد ۹۷ و ۹۸ آئین نامه قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹). اما درباره تغییر نام کوچک قوانین ما ساکت است و میتوان از خود پرسید آیا با سکوت قانون، تغییر نام کوچک امکان پذیر است؟ از آنجا که اصل، آزادی حقوقی اشخاص است و به عبارت دیگر آنچه قانون منع نکرده باشد اصولاً مجاز است، میتوان گفت تغییر نام کوچک در حقوق ما ممکن است. اما آیا میتوان به افراد اجازه داد که آزادانه و بدون قید شرط نام کوچک خود را تغییر دهند؟ پاسخ این سؤال نمیتواند مثبت باشد زیرا: اولاً نام کوچک در شناسنامه و دفاتر سجلی که از اسناد رسمی است قید میشود و اهمیت و اعتبار سند رسمی اقتضا میکند که تغییر مندرجات آن آسان نباشد.

ثانیاً همانطور که تغییر نام خانوادگی اشکالاتی در روابط حقوقی افراد پدید می آورد، تغییر نام کوچک نیز، البته به مقیاس محدودتر، مشکلاتی ایجاد میکند. مثلاً ممکن است بدهکار یا مجرم با تغییر نام کوچک خود کوشش کند هوست اصلی خویش را مخفی نگاهدارد تا بستانکاران یا مجرمان قانون نتوانند به او دسترسی پیدا کنند. بنابراین تغییر نام کوچک هم، مانند تغییر نام خانوادگی، نباید آزاد باشد.

متأسفانه در قوانین ایران قیود و حدودی برای تغییر نام کوچک بصراحت پیش بینی نشده است. تنها محدودیتی که در این باره میتوان قائل شد آنست که طبق قواعد عمومی دادرسی (ماده ۲ آئین دادرسی

مدني) در خواست کننده تغيير نام باشد نفع مشروع و عقلائي در اين امر داشته باشد. به بيان روشن تر تقاضاي تغيير نام كوچك، چنانكه بعداً خواهيم ديد، بايد به صورت دعوائی عليه اداره ثبت احوال در دادگستري مطرح شود و در اين دعوي مانند هر دعوي ديگر خواهان بايد ذينفع و نفع او بايد مشروع و عقلائي باشد. بنابراین تغيير نام كوچك بدون هيچگونه قايده عقلائي و صرفاً از روي هوي و هوس قابل پذيرش نيست. البته نفع اعم از نفع مادي و معنوي است و از اينرو كسي كه نفعي معنوي در تغيير نام كوچك دارد، چنانكه نام كوچك او عرفاً مستهجن و نا پسند و موجب شرمندگي او در بين مردم است، ميتواند تغيير آنرا از دادگاه بخواهد. تشخيص اينكه آيا خواهان داراي منفعت مشروع و عقلائي در دعوي هست يا نه با دادگاه است.

اگر نظر بالا را پذيريم، راه حل حقوق ايران مشابه حقوق فرانسه است كه ذيلاً بررسي ميكنيم خواهد بود. حقوق فرانسه _ حال بينيم در حقوق فرانسه تغيير نام كوچك داراي چه شرايطي است.

در سال ۱۸۰۴، زمان تصويب قانون مدني فرانسه، نام كوچك مانند نام خانوادگي غير قابل تغيير بشمار مي آمد. قانون ۸ فروكتيدور سال ۲ اين اصل را اعلام کرده و مجازاتهاي براي تغيير نام مقرر داشته بود. بعدها و استثناء (يكی در مورد فرزند خواندگي كامل و ديگر در مورد بيگانگي كه به تابعيت فرانسه پذيرفته شده باشند) بر اصل غير قابل تغيير بودن نام كوچك وارد شد و بالاخره قانون مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۰۵ يك قاعده كلي درباره تغيير نام كوچك آورد. بموجب ماده ۵۷ اصلاحي قانون مدني فرانسه مصوب ۱۹۰۵، طفل بعد از رسيدگي به سن كبر، يا نماينده قانوني او در دوره صغر، ميتواند تغيير نام كوچك يا الحاق چيزي به آن حذف جزئي از آنرا از دادگاه شهرستان تقاضا كند، مشروط بر اينكه نفع مشروع در اين امر وجود داشته باشد. قانن درباره ماهيت نفع مشروع هيچگونه تصريحي ندارد و رويه قضائي فرانسه، در گذشته، در تفسير آن تا حدي سختگير بوده و در مواردی چند دادخواست خواهان را به استناد اينكه نفع مشروعی در تغيير نام كوچك خود نداشته رد کرده است. مثلاً بعضي از آراء درخواست تغيير نام كوچكي را كه آهنگ اسراييلي داشته، به دليل اينكه نفع مشروعی در آن نيست، نپذيرفته اند (دادگاه استيناف كلما فوريه ۱۹۰۷، دالوز ۱۹۰۷، ص ۳۳۱؛ پاریس ۱۴ مه ۱۹۶۰، دالوز ۱۹۵۰، ص ۶۲۳؛ پاریس ۲ مارس ۱۹۶۳، دالوز ۱۹۶۳، ص ۵۲۴؛ ژوئيه ۱۹۶۲، ژوريس كلاسور پريوديك ۱۹۶۲، بخش ۲، ش ۱۳۰۱۱). و نیز بموجب پاره اي آراء بكار بردن يك نام امستعار دليل مشروع براي افزودن آن به نام كوچك در سند ولادت نيست (راي دادگاه استيناف پاریس مورخ ۲۴ فوريه ۱۹۶۲، دالوز ۱۹۶۲، ص ۴۳۰ كه مورد تاييد ديوان تمیز فرانسه در راي صادر از شعبه مدني، مورخ ۳ ژانويه ۱۹۶۳ واقع شده است). ليكن در يك مورد ديگر دادگاه استيناف پاریس درباره زني كه براي گريز از آزارهاي نژادي، نام كوچك خود را مخفي کرده و هنگام اعلام تولد فرزندش خود را بانام كوچك ديگر معرفي نموده و اين نام در سند جعلي طفل نیز درج شده است وجود نفع مشروع را احراز کرده و به زن اجازه داده است كه نام كوچك منتخب را براي خود حفظ كند (پاریس ۲۶ اكتوبر ۱۹۶۲، دالوز ۱۹۶۳، ص ۶۵۳).

معروف بودن به يك نام كوچك بجز آنچه كه در اسناد سجلي ذكر شده است و نیز احساسا حقيشناسي نسبت به شخص ديگر كه خواهان ميخواهد نام كوچك او را انتخاب كند طبق راي دادگاه استيناف پاریس نفع مشروع و مجور تغيير نام كوچك تلقی نميشود (راي ۲۲ اكتوبر ۱۹۶۸، گارت دوپاله، ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸). با وجود اين، يك راي مورخ ۲۶ ژانويه ۱۹۶۵ صادر از شعبه مدني ديوان تمیز فرانسه حاكي از اين است كه اين دادگاه عالي با سختگيري در اين باره و تفسير مضيق از نفع مشروع موافق نيست. در اين راي ديوان تمیز راي دادگاه تالي را مبني بر رد درخواست تغيير نام كوچك از Jacques به Isaac به استناد نبودن نفع مشروع در اين تغيير نام، نقض و درخواست خواهان را كه ميخواسته براي احتراز از آزارهاي نژادي احتمالي نام يهودي خود را به يك نام فرانسوي تبديل كند موجه تلقی ميكند و در واقع خواهان را صاحب نفع مشروع براي تغيير نام كوچك خود ميشناسد.

از اين راي يك راي اصولي بشمار آمده است چنين بر مي آيد كه در نظر ديوان تمیز فرانسه مقصود از نفع مشروع يك نفع بزرگ باستثنائي نيست بلكه نفع فرد براي زندگي عادي در اجتماع است.

ب _ مرجع صلاحيتدار براي اخذ تصميم در مورد تغيير نام كوچك بعضي از علماي حقوق اظهار عقیده کرده اند كه اخذ تصميم در مورد تغيير نام كوچك در صلاحيت اداره ثبت احوال است و اداره مذکور مكلف به قبول درخواست اشخاص در اين مورد ايت، زيرا انتخاب اسم كوچك در اختيار انتخاب كننده است و شخص ميتواند هر اسمي را كه در زمره نامهاي غير مجاز نباشد براي خود انتخاب كند و براي اينكار احتياج به مداخله دادگاه ندارد. بعضي از دادگاهها نیز اين نظر را پذيرفته اند. شعبه ششم

دادگاه استان تهران بر خلاف رایي که در تاریخ ۲۹/۹/۴۵ صادر کرده، در رای مورخ ۱۳/۹/۴۴ تغییر نام کوچک را خارج از صلاحیت دادگاه دانسته و چنین اظهار نظر کرده است: تغییر نام کوچک از مصادیق ماده ۴۴ قانون نمیباشد تا درخواست مزبور از دادگاه موجه باشد. بنابراین تقاضای پژوهش خواه غیر موجه بوده بدین جهت رای بدوی تایید میشود.

این نظر خالی از اشکال نیست زیرا:

اولاً، نام کوچک مانند نام خانوادگی جزء وضعیت اشخاص است و هویت آنان را روشن میکند و تغییر آن نباید آزاد و بسته به میل و اراده آنان باشد. تغییر نام کوچک در صورتی که آزادانه و بدون قید شرط و دخالت دادگاه صورت گیرد ممکن است سوء استفاده هائی را باعث شود و در روابط حقوقی مردم اشکالاتی پدید آورد. اصولاً در قلمرو وضعیت و اهلیت (احوال شخصیه) مصالح اجتماعی و خانوادگی بیش از منافع فردی مورد نظر و حمایت است و از اینرو اراده افراد نقش مهمی در این زمینه ندارد. به عبارت دیگر قواعد مربوط به احوال شخصیه اصولاً امری و مربوط به نظم عمومی است و نقش اراده در آن يك نقش درجه اول نیست.

ثانیاً، تغییر نام کوچک در صورتی که به صرف درخواست فرد پذیرفته و با يك عمل ساده اداری انجام شود به اعتبار اسناد سجلی که از اسناد رسمی محسوب است لطمه میزند. اصولاً تغییر مندرجات سند رسمی که از اعتبار خاصی برخوردار است جز در موارد استثنائی و یا شرایطی که قانون مقرر داشته مجاز نیست.

ثالثاً، از پاره ای مواد قانونی نیز خلاف این نظر استنباط میشود: ماده ۹۹ قانون مدنی میگوید: تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه. البته قانون ثبت احوال پاره ای تغییرات از جمله تغییر نام خانوادگی را استثناء کرده و در واقع ماده ۹۹۵ قانون مدنی را در پاره ای موارد تخصیص داده است لیکن تغییر نام کوچک از جمله استثنائات نیست؛ بنابراین تحت شمول این ماده باقی است و عموم ماده اقتضا میکند که تغییر نام کوچک فقط بموجب حکم دادگاه ممکن باشد. ماده ۴۴ قانون ثبت احوال نیز مقرر میدارد: هرگاه اختلافی راجع به اسناد سجلی ایجاد شود و یا برای يك نفر برگهای مکرر صادر شده باشد، رسیدگی به اختلاف و ابطال برگهای اضافی در دادگاه شهرستان محل صدور شناسنامه و در صورت نبودن آن در نزدیکترین دادگاه بخش بعمل می آید و تا موقعی که از طرف دادگاههای نامبرده اسناد مذکور باطل یا تصحیح نشود آن اسناد به اعتبار خود باقی خواهد بود...

با توجه به این دلایل میتوان گفت اخذ تصمیم در مورد تغییر نام کوچک در صلاحیت دادگاه شهرستان است و ذینفع باید بدین منظور دادخواستی به طرفیت اداره ثبت احوال به دادگاه مزبور تقدیم دارد. از رای مورخ ۸/۷/۴۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز چنین بر میآید که هیئت عمومی اخذ تصمیم در این مورد را در صلاحیت دادگاه میدانند؛ چه اگر مساله را خارج از صلاحیت دادگاهها میدانست میبایست نظر خود را در این باره اعلام دارد، نه اینکه بدون اشاره به عدم صلاحیت، شهادت شهود را در مساله مطروحه قابل ترتیب اثر معرفی کند، خاصه آنکه دادستان کل در نظریه خود، مساله را در صلاحیت اداره ثبت احوال دانسته است. بنابراین میتوان گفت هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رای مذکور صلاحیت دادگاههای دادگستری را در مورد تغییر نام کوچک بطور ضمنی پذیرفته است.

حقوق فرانسه _ در حقوق فرانسه هم تغییر نام کوچک در صلتحیت دادگاه شهرستان است و مقامات اداری نمیتوانند راساً در این زمینه اقدام کنند. بعلاوه چنانکه پیش گفته شد، در حقوق فرانسه نام کوچک اصولاً غیر قابل تغییر شناخته شده و تغییر آن امری استثنائی است.

ج _ آیا تمام مندرجات کلیه دفاتر و اسناد سجلی سند رسمی محسوب میشود؟

طبق ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی دعوائی که مخالف با مفاد یا مندرجات سند رسمی باشد به شهادت اثبات نمیگردد این قاعده مبتنی بر اهمیت و اعتبار خاص اسناد رسمی است. اگر خلاف مندرجات سند رسمی با شهادت شهود قابل اثبات باش در بسیاری موارد دادگاه بناچار باید بر خلاف سند رسمی حکم دهد و این به ارزش و اعتبار سند رسمی لطمه خواهد زد.

حال به بینیم آیا تمام مندرجات اسناد و دفاتر سجلی رسمی بشمار می آید و خلاف آن با شهادت شهود قابل اثبات نیست یا تنها پاره ای از مندرجات آنها از این گونه ارزش و اعتبار برخوردار است و آیا همه اسناد و دفاتر سجلی دارای يك ارزش است یا باید بین آنها تفکیک قائل شد.

در مورد سؤال اول، شعبه ششم دادگاه استان با توجه به ماده ۹۹۹ قانون مدنی چنین نظر داده که قانونگذار سند سجلی را صرفاً در مورد تاریخ تولد رسمی تلقی کرده و فقط تغییر تاریخ تولد است که با شهادت شهود

میسر نیست . و با این استدلال دادگاه مذکور شهادت شهود را در مورد حذف نام زائد (یکی از دو نام کوچک) از شناسنامه پذیرفته است.

لیکن هیئت عمومی دیوان عالی کشور استدلال فوق را نپذیرفته میگوید: استدلال شعبه ششم دادگاه استان وجهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹۹۹ قانون مدنی، در ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده است از اسناد رسمی شناخته شده...

در واقع، ماده ۹۹۹ قانون بهیچ وجه حکایت از آن ندارد که اسناد و دفاتر سجلی فقط از نظر تاریخ تولد دارای ارزش اسناد رسمی است و سایر مندرجات آنها سند عادی تلقی میشود و خلاف آن با شهادت قابل اثبات است. بعلاوه عموم ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد خلاف انرا میسراند. بنابراین نظر شعبه ششم دادگاه استان فاقد مبنای حقوقی است و انگهی قبول این نظر به اعتبار اسناد سجلی لطمه میزند و برخلاف مصالح اجتماعی است.

اما راجع به اینکه آیا همه اسناد و دفاتر سجلی از ارزش و اعتبار واحد برخوردار است یا باید بین آنها قائل به تفکیک شد، بعضی از استادان حقوق و دادگاههای بین اسناد ولادت (شناسنامه و دفاتر ثبت ولادت) بر حسب اینکه ولادت در مدت قانونی (۱۵ روز) به دایره ثبت احوال اظهار یا پس از پایان این مدت اعلام شده باشد فرق گذارده و سند ولادت را فقط در مورد اول رسمی شناخته آید و در مورد دوم سند را عادی تلقی کرده و شهادت را برای اثبات خلاف مندرجات آن پذیرفته اند. مستند این نظر ماده ۹۹۹ قانون مدنی است که میگوید: سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.

این نظر قابل ایراد است زیرا:

اولاً با توجه به ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی (که بموجب آن اسنادی که نزد ماموران رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات تنظیم شده باشد رسمی شناخته شده است) میتوان گفت مفهوم مخالف ماده ۹۹۹ منظور نبوده است.

ثانیاً بر فرض اینکه ماده ۹۹۹ قانون مدنی هنگام تصویب، مفهوم مخالف داشته باشد، با ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹ این مفهوم ملغی شده است. ماده ۴۷ قانون ثبت احوال چنین مقرر میدارد: مندرجات دفاتر ولادت وفوت و اسنادی که بر طبق آن صادر میشود و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در دفاتر از اسناد رسمی و معتبر خواهد بود، مگر اینکه خلاف آن در دادگاه ثابت شود. سایر اسناد سجلی که بر طبق مقررات قانون با تشریفات مذکور در بالا تنظیم شده نیز اسناد رسمی است ولیکن در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود. چنانکه از این ماده بر می آید همه دفاتر و اسناد سجلی که طبق مقررات و با تشریفات مذکور در قانون تنظیم شده اعم از دفتر موالید (یا ولادت) که ولادتهای اعلام شده در ظرف سال در آن ثبت میشود و دفتر اظهارنامه که ولادتهائی که پس از پایان سال اظهار شده در آن به ثبت میرسد و دفتر فوت و اسنادی که بر طبق آنها صادر میگردد رسمی محسوب است. در حقیقت، منطقی بنظر نمیرسد که در مواردی که بعلت تخلف اعلام کننده، ولادت در مدت قانونی به دایره ثبت احوال اعلام نشده است مندرجات دفتر سجلی که بوسیله مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و برابر مقررات و با تشریفات قانونی تنظیم شده و شناسنامه ای که بر طبق آن صدور یافته از ارزش و اعتبار سند رسمی برخوردار نباشد. تنها تفکیکی که در ماده ۳۷ دیده میشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر ندانسته است، شاید از این جهت که مندرجات این گونه اسناد به اندازه مندرجات دفتر موالید قابل اطمینان نیست: هرگاه ولادت بیشتر مقرون به صحت است تا ولادتی که بعد از پایان سال اعلام شده که ممکن است برخلاف واقع و برای رسیدن به مقاصد نامشروع باشد.

ممکن است گفته شود مفهوم مخالف ماده ۹۹۹ قانون مدنی خاص و ماده ۴۷ قانون ثبت احوال عام است و عام نمیتواند ناسخ خاص باشد بلکه در مقام تعارض بین عام و خاص باید خاص را مقدم داشت و به عام در غیر مورد خاص عمل کرد. به عبارت دیگر مفهوم مخالف ماده ۹۹۹ مخصص ماده ۴۷ قانون ثبت احوال تلقی میشود.

در پاسخ میتوان گفت، چنانکه بعضی از علمای اصول گفته اند، مفهوم مخالف در صورتی مخصص عام تلقی و بر آن مقدم میشود که قرینه ای که مرجح عام باشد و آنرا تقویت کند در میان نباشد و در مساله مورد بحث

چنین قرینه ای وجود دارد و آن ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی است. بنابراین ماده ۴۷ قانون ثبت احوال از جهت اعتضاد آن به ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی اقوی از مفهوم ماده ۹۹۹ و مرجح بر آن خواهد بود. حقوق فرانسه_ در حقوق فرانسه هم کلیه مندرجات دفاتر و اسناد ثبت احوال سند رسمی بشمار می آید و تفاوتی بین مندرجات و دفاتر مختلف وجود ندارد. وانگهی همه این اسناد دارای اعتبار مطلق است یعنی در مقابل اشخاص ثالث هم معتبر است و از این جهت بین دفاتر مختلف ثبت احوال فرقی نیست. لیکن باید یادآور شد که در حقوق فرانسه ولادت در ظرف سه روز بعد از تولد طفل باید به شهرداری که عهده دار ثبت اموال است اعلام شود تا در دفتر مربوط به ثبت برسد. هرگاه ولادت در ظرف این مدت اعلام نشود برای ثبت آن در دفتر سجل احوال به حکم دادگاه نیاز است. در واقع، مامور ثبت احوال، در این صورت، حکم دادگاه را در دفتر ثبت میکند.

د_ آیا شهادت شهود در مورد تغییر نام کوچک قابل پذیرش است؟

از آنجا که سند رسمی با تشریفات خاصی تنظیم میگردد و مامور رسمی در تنظیم آن دخالت دارد که مجازاتهای سنگینی صحت عمل او را تضمین میکند، این گونه سند بیش از سندی قابل اعتماد است و از این رو قانونگذار ارزش و اعتبار بیشتری برای آن قائل شده و برای اینکه با اثبات خلاف مندرجات آن از طریق شهادت به اعتبار سند رسمی لطمه ای وارد نشود، شهادت شهود را در این خصوص قابل ترتیب اثر ندانسته است. به تعبیر دیگر، دعوائی که مخالف با مفاد یا مندرجات سند رسمی (یا سند عادی که اعتبار آن در محکمه محرز شده) باشد به شهادت شهود اثبات نمیکرد (ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی).

حال بینیم آیا در مورد تغییر اسناد سجلی بویژه در مساله ای که موضوع رای هیئت عمومی دیوان عالی کشور بوده است شهادت قابل ترتیب اثر است یا نه. از آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که اگر مودای شهادت خلاف مندرجات شناسنامه یا دفاتر ثبت احوال باشد نمیتوان آنرا پذیرفت، چه ترتیب اثر دادن به این شهادت مخالف ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی است. مثلاً با شهادت نمیتوان ثابت کرد که تاریخ تولد یا نام پدر یا مادر دارنده شناسنامه جزآن است که در شناسنامه نوشته شده است. لیکن اگر مودای شهادت بر خلاف مفاد و مندرجات اسناد سجلی نباشد میتوان به آن ترتیب اثر داد.

در مورد درخواست حذف یکی از دو نام کوچک که موضوع رای هیئت عمومی بوده است و قبول شهادت شهود در این باره، دادگاهها نظریات مختلفی ابراز داشته اند: شعبه پنجم دادگاه استان مرکز به استناد اینکه مندرجات سند ولادت رسمی است و با شهادت شهود قابل دادگاه استان مرکز به استناد اینکه مندرجات سند ولادت رسمی است و با شهادت شهود قابل تغییر نیست به بطلان دعوی خواهان رای میدهد. ولی شعبه ششم با قبول گواهی و اشعار به اینگونه مندرجات اسناد سجلی فقط در مورد تاریخ ولادت رسمی است، درخواست خواهان را موجه دانسته به حذف یکی از دو نام کوچک _ نامی که دارند سند سجلی به آن شهرت نداشته حکم میکند. لیکن هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در رای لازم الاتباع مذکور، ضمن رد استدلال شعبه ششم و پس از اعلام این نکته که تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در قانون تنظیم گردیده از اسناد رسمی بشمار میآید، اظهار نظر میکند که: تقاضا کنندگان مندرجات اسناد سجلی را هنگام تنظیم آن صحیح دانسته و دعوی آنان مبنی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست بلکه مورد دادخواست آنان حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد است که آن را زائد و منافی با شهرت دو ماده ۹۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنی دانست، درخواست مزبور موضوعاً از حدود منع آن دو ماده خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر میباشد. بنابراین هیئت عمومی دیوان عالی کشور شهادت شهود را، در موردی که برای حذف یکی از دو نام کوچک مندرج در شناسنامه مورد استناد واقع شده و مودای گواهی این باشد که دارنده سند فقط به یکی از دو نام شهرت دارد، قابل ترتیب اثر میداند. در واقع همانطور که هیئت عمومی اعلام کرده است این شهادت مخالف مندرجات سند رسمی نیست تا نتوان به آن ترتیب اثر داد.

در توجیه نظر دیوان عالی کشور میتوان گفت: در مورد مذکور خواهان ذینفع بودن خود را در تغییر نام کوچک، از طریق شهادت اثبات میکند؛ چنانکه گفتیم در دعوی تغییر نام کوچک، خواهان باید ذینفع باشد و نفع خود را در دعوی به طریقی ثابت کند و میتوان گفت نفع کسی که دو نام کوچک در سند سجلی او قید شده که فقط به یکی از آن دو شهرت دارد در این است که نام دیگر حذف شود و شهادت شهود که حاکی از عدم شهرت دارنده سند به نام مورد دادخواست حذف است در واقع ذینفع بودن او را در دعوی حذف آن نام تأیید میکند. بنابراین، شهادت مزبور بر خلاف مندرجات سند رسمی نیست و اشکالی در قبول آن بنظر نمیرسد.

حقوق فرانسه_ در حقوق فرانسه، طبق ماده ۱۳۴۱ قانون مدني، خلاف مندرجات سند، اعم از سند رسمي و عادي، را نمیتوان با گواهي گواهان اثبات کرد پس خواهان نمیتواند با شهادت ثابت کند آنچه راجع به تاريخ يا نام پدر يا مادر يا نام دارنده سند سجلي و غير آن در سند نوشته شده ندرست و برخلاف واقع است. اما در آنچه خلاف مفاد سند نباشد شهادت شهود پذيرفته ميشود. مثلاً خواهان از طريق شهادت ميتواند اثبات کند که بعلت داشتن نام کوچک يهودي که در شناسنامه او قيد شده، مورد آزاد و تمسخر مردم محيط خود واقع شده است و ميتواند براساس اين شهادت تغيير نام کوچک خود را تقاضا نمايد (راي شعبه مدني ديوان تمير فرانسه مورخ ۲۶ ژنويه ۱۹۶۵).

بنا براین حقوق فرانسه، در آنچه گفته شد، مشابه حقوق ايران است و تفاوت مهمي در اين زمينه بين دو حقوق ديده نميشود.

منابع:

- ۱ _ راي هيئت عمومي ديوان عالي کشور، شماره ۲۲۴ _ ۴۹/۷/۸، آرشیو کیهان، آراء سال ۱۳۴۹، ص ۲۲۸.
- ۱ _ براي نظريه مشروح و مستدل دادستان کل، رجوع شود به آرشیو کیهان، آراء سال ۴۹، ص ۲۲۸ به بعد.
- ۱ _ ماده ۲ قانون آئين دادرسي مدني مقرر مي‌دارد: هيچ دادگاهي نمیتواند به دعوائی رسيدگي کند مگر اينکه شخص يا اشخاص ذنبف رسيدگي به دعاوي را مطابق مقررات قانون درخواست کرده باشند چنانکه ملاحظه ميشود در اين ماده لزوم نفع براي اقامه دعوي پيش بيني شده ليکن مشروع و عقلائي بودن آن تصريح نگردیده است. مع هذا چون قانونگذار فقط از نفع مشروع و عقلائي حمايت ميکند و نفع نامشروع يا غير عقلائي را مبنای حق تلقي نمينمايد، لذا ميتوان گفت مقصود از نفع مشروع و عقلائي است.
- ۱ _ Fructidor An فروکتيدور يکي از ماههاي تقويم جمهوري فرانسه است که در نوامبر ۱۷۹۳ بوسيله کنوانسيون ملي فرانسه ايجاد شده بود.
- ۲ _ Adopsion pleniere فرزند خواندگي کامل عبارت از آن فرزند خواندگي است که موجب قطع رابطه فرزند با خانواده اصلي اوست و در حکم نسب مشروع و داراي همان آثار است، در مقابل فرزند خواندگي ساده adoption simple که در آن، رابطه حقوقي بين فرزند خوانده و خانواده اصليش باقي ميماند.
- ۳ _ Interet legitime
- ۱ _ مجموعه دالوز Recueil Dalloz سال ۱۹۶۵، بخش ۲، ص ۲۱۶
- ۱ _ Arret de principe
- ۲ _ پاریزوت، مقاله مذکور، ش ۲۵ به بعد، ص ۴۴.
- ۳ _ رجوع شود به نظريه دادستان کل درباره دعواي مذکور، آرشیو کیهان، آراء سال ۱۳۴۹، ص ۲۲۵ _ ۲۳۲ و ۲۳۷.
- ۴ _ مقصود ماده ۴۴ قانون ثبت احوال است که متن ان بعداً ذکر خواهد شد.
- ۱ _ tribunal de grande instance اين دادگاه تقريباً معادل دادگاه شهرستان در حقوق ايران است.
- ۲ _ رجوع شود به: قانون مدني فرانسه، چاپ دالوز، ۷۳ _ ۱۹۷۲، ماده ۵۷ اصلاحي؛ مازو، کتاب مذکور، ش ۵۴۷؛ دائره المعارف حقوقي دالوز، ذيل عنوان Nom _ prenom جلد اصلاحي ۱۹۶۹، ش ۲۷۷.
- ۳ _ Immutable
- ۱ _ دکتر جعفري لنگرودي، دانشنامه حقوقي، چاپ دوم، جلد ۲، ثبت احوال، ص ۱۱ به بعد.
- ۱ _ ميرزا قمي، قوانين، چاپ سنگي عبدالرحيم، ص ۳۰۴؛ محمد عبده بروجردي، اصول الفقه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۴، ص ۲۸۳.
- ۱ _ مازو، کتاب مذکور، ش ۵۲۲ و ۵۱۹
- ۲ _ همان کتاب، ش ۵۰۱.
- ۱ _ رجوع شود به: مازو، همان کتاب، ش ۴۰۲؛ مارتی ورنو، حقوق مدني، ج ۱، بخش ۱، چاپ پاریس ۱۹۷۲، ش ۲۶۳.

